



فضائل محمدی

عجل الله تعالی فرجه
الشریف

محمد سہرابی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضائل المهدي عليه السلام

احاديثي پيرامون

امام دوازدهم عليه السلام

سهرابی، محمد، ۱۳۵۶ - فضائل المهدی (عج) / مولف محمد سهرابی. --

نهران: آرام دل، ۱۳۸۵

۶۴ ص. ISBN-964-8930-30-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا. کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- فضایل، ۲. محمدبن

حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - رویت. ۳. مهدویت -- انتظار. الف.

۲۹۷ / ۹۵۹

عنوان. ۶ ف ۹ س / ۳۵ / ۵۱ BP

۱۷۷۱۶ - ۸۵ م

کتابخانه ملی ایران

فضائل المهدی علیه السلام

مؤلف: محمد سهرابی

ناشر: آرام دل

نوبت چاپ: اول - ۸۵

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۵۰۰ تومان

مرکز پیش: انقلاب - خ کارگر جنوبی - خ شهدای ژاندارمری

پاساژ ناشران و کتابفروشان کوثر - تلفن ۶۶۹۷۱۶۹۷

مقدمه

یا مصوّر

خون می‌رود به صفحه که املا کنم ترا

نامت بزرگ بود و نشد جا کنم ترا

یاغی نی‌ام ترخمی ای پادشاه حُسن

گردن کشیده‌ام که تماشا کنم ترا

در طرح معنای تو از همه باید وام گرفت و همه را باید استخدام کرد به این

أجرت که دخیلند در طرح یک معنی عمیق.

... بعد از این همه وام آنچه طرح نمی‌شود تویی و آنچه به صفحه نمی‌گنجد

طرح توست.

آری از همه باید وام گرفت؛ از آب به خاطر زلالی‌ات، از خاک به خاطر طرح

کف پایت، از غنچه به خاطر دهانت، از آفتاب به خاطر رویت، از چشمه به خاطر

چشمت، از کوه به خاطر صلابت و از سنگ به خاطر من.

طراحان معنی هزاران سال کشیده‌اند ناز تو را تا مگر قدم رنجه کنی و قاب خالی

ظهور را به حضورت نگارین کنی.

طراحان معنی از آدم گرفته تا خاتم، دردها کشیده‌اند تا تو متولد شوی.

و پدران تو را شیفته بودند و مشتاق. از علی بن ابیطالب - درود خدا بر آن دو -

گرفته تا حسن، پدرت - درود خدا بر او - و در این میانه شوق یک نفر زبان زد است.
شوق یک نفر سنگ را آب می کند و دل را شعله می زند.

وای بر جماعتی که ناله «یا مهدی» را از دختر رسول خدا - درود خدا بر او و بر
خاندانش - شنیدند و حتی به خاطر ترس از ذوالفقار موروئی تو شعله را از حریم آب
و آینه دور نکردند. پس هر چه از تو می نویسند تقدیم مادرت باد.

و تو ای شب بیدار زرد چهره، ای خائف تنها، ای آورنده مژده ذلت برای
بنی اسرائیل، ذوالفقار بستری خود را به مسیح دستت شفایی بده که این گردن
کشان موسی فروش چشم تو را دور دیده اند.

باشد که ما باشیم و در رکابت خون باشیم.

این اوراق، سر هم بندی شده پریشانی است که در محیط تو ای سواره حجاز
می چرخد.

شباقت تو را به انبیاء و پدرانیت به صفحه کاغذ در آورده ام.

در پایان به دعایی که برای تو به ما یاد داده اند، ختم گرفته ام برای خودم که باز
هم در فراق تو نفس می کشم.

تو را به شرح چه حاجت که در بلندی طرح

کسی که خواست ببیند تو را کلاه انداخت

بعونک

محمد سهرابی

۱- هم نام رسول خدا ﷺ؛

در کتاب «غیبت» آمده که به امام حسن بن علی عسکری علیه السلام عرض شد:
«ای فرزند رسول خدا! خداوند مرا فدای تو کند. دوست دارم بدانم که امام و
حجت خداوند بر بندگانش بعد از تو کیست؟»

فرمود:

«امام و حجت بعد از من پسر من است که هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله
می باشد. کسی که خاتم حجت های خداست و آخرین خلیفه اوست.»

عرض شد:

«او از کیست؟»

فرمود: «از دختر پسر قیصر روم.»^۱

۲- اسامی، القاب، و کنیه های حضرت حجت علیه السلام؛

در کتاب نجم الثاقب ۱۸۲ اسم برای امام زمان علیه السلام ذکر شده است. در این کتاب

۱- نجم الثاقب، باب اول، ص ۲۵.

آمده که اهل فارس آن جناب را «ایزد شناس» و «ایزد نشان» می نامند و در اسمی دیگر آن حضرت را «ایستاده» می نامند.

در نام‌هایی که برای آن حضرت ذکر شده، معارف بلندی پنهان است که فهم آن معارف ما را در شناخت امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- کمک خواهد کرد. بعنوان مثال در کتاب مذکور آمده است که یکی از اسمای آن حضرت عليه السلام «رب الأرض» است. چنانچه در تفسیر آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» نیز این معنی ذکر شده است.

در کتاب نجم الثاقب چنانچه ذکر شد ۱۸۲ اسم و لقب برای آن حضرت ذکر شده است.

در اینجا اجمالاً به چند اسم آن بزرگوار اشاره می کنیم.

تمامی این اسماء از باب دوم کتاب نجم الثاقب ذکر می شود لذا از آوردن پاورقی خودداری می نمایم.

۱- غیب

در «کمال الدین» صدوق رضی الله عنه روایت شده از حضرت صادق عليه السلام که در توضیح آیه شریفه «... هدى للمتقين * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»^۱ فرمود: متقین شیعیان علی بن ابیطالب عليه السلام هستند. و اما غایب، پس او غایب است و شاهد بر این، قول خداوند

تبارک و تعالی است که:

و يَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَظِرِينَ^۱

۲- سروش ایزد

این اسم اسمی است که در کتاب زمزم زردشت برای آن حضرت ذکر شده است.

۳- ساعة

در حدیثی طولانی مفضل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «مراد از ساعة در آیه شریفه یَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا...»^۲ و در آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ...» و در آیه شریفه «... وَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ...»^۳ و در آیه کریمه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ...»^۴ و در آیه شریفه «... وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ...» تا قوله تعالی «أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ»^۵ در تأویل حضرت مهدی علیه السلام است.»

مفضل پرسید: «معنی یمارون چیست؟»

فرمود: «می گویند کی متولد شده، چه کسی او را دیده، کجاست و کی ظاهر

۲- سورة اعراف آیه ۱۸۷.

۱- سورة یونس آیه ۲۰.

۴- سورة زخرف آیه ۶۶.

۳- سورة زخرف آیه ۸۵.

۵- سورة شوری آیات ۱۷ و ۱۸.

می شود همه این ها به سبب استعمال در امر الهی و شک در قضای اوست و مشابهت آن حضرت با «ساعة» از جهات بسیاری است که مخفی نیست،...»
در کتاب «غیبت» روایت شده که حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «ای رسول خدا! قائم ما اهل بیت کی خروج خواهد کرد؟»
فرمود: «ای حسن! جز این نیست که مثل او «ساعة» یعنی روز قیامت است که خدای تعالی علم آن را بر اهل آسمان ها و زمین پنهان داشته است. نمی آید مگر ناگاه و بی خبر.»

۴- فجر

در «تأویل الایات» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که در تفسیر «والفجر» فرموده: «مراد خداوند از فجر، قائم علیه السلام است.»
و نیز روایت کرده از آن جناب که در تفسیر سوره مبارکه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ... حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ» فرموده است این آیه یعنی تا آن که قائم علیه السلام برخیزد و ظاهر شود.

۵- فقیه

شیخ طوسی در «تهذیب» در باب حدّ حرم امام حسین علیه السلام از محمد بن عبدالله حمیری روایت کرده است که گفت: نوشتم به فقیه علیه السلام و سؤال کردم از او که «آیا جایز است که مردی با خاک قبر حسین علیه السلام تسبیح بفرستد؟ و آیا در آن فضیلتی هست؟»

پس حضرت علیه السلام جوابی داد و من آن توفیق را خواندم و آن را یادداشت کردم: «با آن تسبیح بفرست. پس چیزی از تسبیح با فضیلت تر از آن نیست و فضل آن این است که اگر کسی موقع تسبیح گفتن، ذکر را فراموش کند و سبحه را بچرخاند، برای او تسبیح می نویسند» و مراد از «فقیه» در اینجا یقیناً آن جناب است.

۶- قائم

این لقب از القاب خاصه مشهوره متداوله آن حضرت است و این، اسم آن حضرت بوده در زبور سیزدهم و در کتاب برلیوموا.
قائم یعنی برپا شونده در فرمان حق تعالی؛ زیرا آن حضرت، پیوسته در شب و روز مهبیای فرمان الهی است که به محض اشاره، ظهور نماید.
شیخ مفید رحمته الله در «ارشاد» روایت کرده از امام رضا علیه السلام که فرمود: «چون حضرت قائم علیه السلام برخیزد، مردم را به اسلام تازه بخواند.»

۷- قطب

این لقب از القاب شایعه آن جناب است. شیخ کفعمی در حاشیه «جنة الواقیه» در دعای امّ داوود، آنجا که فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْلَادِ...» گفته است که «دنیا خالی نیست از قطب، چهار اوتاد و چهل ابدال و هفتاد نجیب و سیصد و شصت صالح؛ پس قطب مهدی علیه السلام است.»

۸- منصور

در تفسیر شیخ فرات بن ابراهیم کوفی روایت است از حضرت باقر علیه السلام که در تفسیر آیه شریفه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰناً...» فرمود: آن، یعنی آن مظلوم کشته شده حسین علیه السلام است. و در «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً»^۱ فرمود: «خداوند مهدی علیه السلام را منصور نامید. چنانچه احمد، محمد و محمود علیهم السلام نامیده شد و عیسی علیه السلام مسیح نام گرفت.» و شاید، تعبیر از آن جناب به امام منصور در زیارت عاشورا، آیه مذکور باشد به مناسبتی که وجه آن واضح است.

۹- ماء معین

در «کمال الدین» و «غیبت» شیخ روایت شده است که امام باقر علیه السلام درباره آیه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»^۲ «بگو که اگر آب شما در زمین فرو رفت، پس کیست که برای شما آب روان بیاورد؟»

فرمود: «در شأن قائم علیه السلام نازل شده. خداوند می فرماید: اگر امام شما از شما غایب شد و ندانستید که او کجاست، پس کیست که برای شما امام ظاهری بیاورد که اخبار آسمان و زمین و حلال حرام خداوند عزوجل را برای شما بیان نماید.» سپس فرمود: «والله! نیامده تأویل این آیه و لابد خواهد آمد تأویل آن.»

۱- سوره اسراء آیه ۳۳.

۲- سوره ملک، آیه ۳۰.

۱۰- مَوْتُورُ

حضرت علیه السلام در چند خبر شریف به این لقب یاد شده. مَوْتُورُ به کسی می گویند که پدرش کشته شده و خونخواهی او نشده است.

مجلسی فرموده که «مراد از پدر، یا حضرت عسکری علیه السلام، یا جناب امام حسین علیه السلام و یا همه ائمه علیهم السلام می باشند.»

در «غیب» نعمانی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که به ابوبصیر فرمود: «ای ابامحمد! قائم علیه السلام خروج می کند، مَوْتُورُ و خشمناک؛ و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را که در احد در تن آن جناب بوده می پوشد. یعنی آن پیراهن خون آلود را.»

۱۱- وارث

در خطبه غدیریّه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ». و آشکار است که آن جناب وارث علوم و کمالات و مقامات و آیات بیّنات جمیع انبیا و اوصیا و آباء طاهرین خود صلی الله علیه و آله است.

۱۲- يَدُ الْبَاسِطَةِ

يد الباسطة یعنی دست قدرت و نعمت خداوندی که به وسیله او رحمت، رأفت و لطف خود را بر بندگان می گستراند و روزی را برایشان باز می کند و بوسیله آن از ایشان دفع بلا می کند.

۱۳- بهرام

۱۴- بنده یزدان

این دو اسم از اسامی حضرت حجة علیه السلام می باشد که در کتاب ایستاع آمده چنانچه در «ذخیره الالباب» نیز ذکر شده است.

۱۵- خسرو

در کتاب «ذخیره» و «تذکره» مذکور است که «خسرو» نیز نام آن حضرت است و در کتاب جاویدان «خسرو مجوس» آمده است.

شمایل آن حضرت

در کمال الدین از رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی است که فرمود: «مهدی از فرزندان من است. نامش نام من و کنیه اش کنیه من. شبیه ترین مردم به من از لحاظ اخلاق و خلقت است. غیبت و حیرتی خواهد داشت که امت ها در آن گمراه می شوند. مانند ستاره شهاب می آید، پس زمین را از قسط و عدل آکنده می سازد، همچنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.»^۱

اکنون که مشخص شد آن حضرت شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله است خوب است بدانیم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله چه شمایی داشته است.

ثقة الاسلام كليني در کافی از حضرت امام باقر عليه السلام آورده است که: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رخسارش سپید آمیخته به سرخی بود. چشمانی سیاه و درشت و ابروانی به هم پیوسته داشت. کف دست و پایش پر گوشت و درشت بود بدان سان که گویی طلا بر انگشتانش ریخته باشد. استخوان دو شانهاش بزرگ بود چون به کسی روی می کرد به خاطر مهربانی شدیدی که داشت با همه بدن به جانب او توجه می نمود. یک رشته موی از گودی گلو تا نافش رویده بود، به گونه ای که گویی میانه صفحه نقره خالص خطی کشیده شده باشد و گردن و شانهایشان بسان گلاب پاش نقره ای بود. بینی کشیده ای داشت که هنگام آشامیدن آب نزدیک بود به آب برسد. هنگام راه رفتن محکم قدم بر می داشت که گویا به سرازیری فرود می آید. باری، نه قبل و نه بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی مثل او دیده نشده است.»^۱

در بحار ذکر شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی مردی است از اولاد من، رنگش عربی است و جسمش اسرائیلی. در گونه راست او خالی است مانند کوکب دُری. زمین را پراز عدل می کند، همانگونه که از ظلم پر شده باشد. به خلافتش اهل زمین و آسمان و مرغان هوا راضی می باشند و بیست سال سلطنت می کند.»^۲

ولادت

در کتاب دارالاسلام در احوال حضرت مهدی عليه السلام آمده که ماده تاریخ ولادت آن حضرت عليه السلام با کلمه نور برابر است یعنی دویست و پنجاه و شش.

۲- ترجمه جلد سیزدهم بحار، ص ۱۵۵.

۱- همان کتاب، ج اول، ص ۱۱۱.

البته در تاریخ ابن خلّکان نیمه شعبان سنه دویست و پنجاه و پنج ذکر شده است و در بحارالانوار شب جمعه سوم شعبان سال دویست و پنجاه و هفت ذکر شده است.

و از اقبال سید بن طاووس و مصباح شیخ و سایر کتب ادعیه نیمه شعبان نقل شده است.^۱

کلینی نیز در کتاب «کافی» نقل نموده که ولادت با سعادت آن حضرت در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجرت بوده.^۲

در باب اول ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار آمده است که حکیمه خاتون دختر امام محمد تقی جواد الائمه علیه السلام فرموده: در هفتمین روز ولادت امام زمان علیه السلام خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم. سلام کردم و نشستم. فرمود: «پسرم را بیاور و به من بده.» لذا قنداقه او را به آن جناب علیه السلام دادم و آن حضرت کارهایی را که شب ولادت برای پسرش انجام داد، تکرار کرد. زبان خود را در دهان او گذاشت. گویا به او شیر یا عسل می داد. بعد از آن فرمود: «ای پسرم، حرف بزن».

امام زمان علیه السلام هم فرمود: «أشهد ان لا اله الا الله» و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام و پدر بزرگوارش فرستاد و این آیه را تلاوت فرمود:

۱- دارالسلام، فصل دوم، ص ۱۷۳.

۲- بحارالانوار، ترجمه ج سیزدهم، ص ۲۳.

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ *
وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.^۱

حرمت تصریح به نام آن بزرگوار

شیخ صدوق علیه السلام به اسناد صحیح خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:
«صاحب الامر کسی است که نام نمی برد او را مگر کافر.»^۲

در کتاب کمال الدین آمده که امام هادی علیه السلام فرمود: «خلف بعد از من پسر امام
حسن عسکری علیه السلام است. پس آیا با خلف بعد از خلف چطور هستید؟»

عرض شد: فدای تو شوم، این برای چیست؟ فرمود: «شما شخص او را نمی بینید
و شما را ذکر نام وی حلال نمی باشد.» عرض شد: پس چطور او را ذکر کنیم؟
فرمود: «بگویید: حجت آل محمد علیهم السلام.»^۳

در کتاب «کمال الدین» در توفیق مبارک امام زمان علیه السلام دیده شده که فرموده بودند:
«ملعون کسی است که در مجالس، نام مرا ببرد.»^۴

جندل بن جناده که از یهودان خیبر بود، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و بعد از
چند سؤال، از اسامی اوصیای آن جناب پرسید. حضرت صلی الله علیه و آله یک یک را اسم بردند
تا به امام حسن عسکری علیه السلام رسیدند. آنگاه فرمودند: «بعد از آن، غایب گردد از
مردمان، امامی از ایشان.»

۲- دارالسلام، فصل پنجم، ص ۱۵۵.

۱- سوره قصص آیات ۵ و ۶.

۴- همان کتاب، ص ۶۶.

۳- ترجمه ج سیزدهم بحار ص ۶۴.

جندل گفت: «یا رسول الله صلی الله علیه و آله! حسن از ایشان غایب شود؟»

فرمود: «نه! ولیکن پسر او، حجّت غایب گردد غیبتی طولانی.»

جندل گفت: «نام او چه باشد؟»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نام برده نشود، تا زمانی که خداوند او را ظاهر سازد.»^۱
 اخباری از ائمه معصومین علیهم السلام در خصوص قائم علیه السلام وارد شده است که در این جا به
 اختصار برخی از اخبار که از لسان ائمه علیهم السلام آمده اشاره می‌کنیم:

اخبار امیرالمؤمنین علی علیه السلام

در کتاب «کمال الدین» از امام رضا علیه السلام روایت شده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به امام
 حسین علیه السلام فرمود: «یا حسین! نهمین فرزند تو، قائم علیه السلام بر حق بوده و اظهارکننده دین
 و گسترش دهنده عدل است.» امام حسین علیه السلام عرض کرد:

«یا امیرالمؤمنین علیه السلام! آیا این که فرمودی، خواهد شد؟» فرمود: «بلی، سوگند به
 خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را از همه خلایق برگزیده و به پیامبری مبعوث گردانید [این
 که گفتم خواهد شد.] لیکن قیام وی بعد از غیبتی و حیرتی خواهد شد که در آن
 غیبت در دین و اعتقادات ثابت نمی‌شود مگر مخلصین و ارباب یقین که خدا عهد
 و پیمان ولایت ما را از ایشان اخذ کرده و ایمان را در دل‌های ایشان نوشته و ایشان

را با روح خود مؤید گردانیده.^۱
 در کتاب «الغیبة» از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «در عهد امیرالمؤمنین علیه السلام آب فرات زیاد شد. پس آن حضرت با پسرانش حسن و حسین علیهما السلام سوار کشتی شدند و بر شهر ثقیف گذشتند. اهل ثقیف گفتند: علی علیه السلام آمده است که آب را برگرداند. آن حضرت علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هر آینه من و این دو پسرم کشته خواهیم شد. خدای تعالی در آخر زمان مردی را مبعوث گرداند که خونخواهی ما را می‌کند و از ایشان غایب می‌شود تا این که اهل ضلالت تمیز یابند، و جهال بگویند که: خدا را به آل محمد علیهم السلام احتیاج نیست.»^۲

اخبار امام حسن و امام حسین علیهما السلام

در کتاب «کمال الدین» آمده که وقتی حسن بن علی علیهما السلام با معاویه بن ابی سفیان مصالحه نمود، مردم به خدمت آن جناب داخل شدند، بعضی از ایشان آن حضرت را به سبب بیعت با معاویه ملامت نمودند. آن حضرت فرمود:
 «وای بر شما. آیا نمی‌دانید [نمی‌فهمید]. به خدا سوگند آنچه که من کردم، برای شیعه من بهتر است از چیزهایی که آفتاب بر آن‌ها طلوع و غروب می‌کند. آیا نمی‌دانید که من امام مفترض الطاعة شما هستم و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از دو

۱- ترجمه جلد سیزدهم بحار، ج اول، ص ۱۷۳.

۲- کتاب الغیبة به نقل از ترجمه ج ۱۳ بحار ج ۱ ص ۱۷۴.

سید جوانان اهل بهشتم؟»

عرض کردند: «بلی، می دانیم.»

فرمود: «آیا ندانسته‌اید که خضر کشتی را شکست و غلام را کشت و اقامه دیوار نمود؛ موسی بن عمران از کرده او در غضب شد. زیرا که وجه حکمت و مصلحت برا و مخفی بود و حال آن که در نزد خدا حکمت و صواب بود؟ آیا ندانسته‌اید که از ما اهل بیت علیهم السلام کسی نیست که بیعت سلطان طاغی زمانش در گردن وی نباشد مگر قائم که روح الله در پشت سرش نماز می‌کند. و خدای تعالی او را مخفی و شخصش را غایب گرداند تا این که احدی را در گردن وی بیعتی نباشد؟

زمانی که نهمین امام از اولاد برادرم حسین علیه السلام که پسر سیده کنیزها و بهترین ایشان است، متولد شود. خدای تعالی غیبت او را طولانی گرداند، بعد از آن به قدرت خود در صورت جوانی که از حدّ چهل سالگی کمتر است، ظاهرش می‌کند تا این که معلوم شود که خدای تعالی بر هر چیز قادر است.»^۱

در کتاب «کمال الدین» آمده که سیدالشهداء امام حسین علیه السلام فرمود: «قائم این امت امام نهمین از اولاد من است. اوست صاحب غیبت و اوست کسی که میراث خود را در حال حیات تقسیم می‌کند.»^۲

به امام حسین علیه السلام عرض شد: آیا تویی صاحب این امر؟ فرمود:

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۲ به نقل از ترجمه جلد ۱۳ بحار ج اول ص ۱۹۱.

۲- کمال الدین ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۲ به نقل از مدرک پیشین ص ۱۹۲.

«صاحب این امر کسی است که از وطن و اهل خود دور و مهجور گردیده، پدر او را کشته‌اند و او خون خواهی نکرده. و کنیه‌اش مطابق کنیه عمّ اوست [و] شمشیر خود را هشت ماه از گردنش حمایل می‌کند.»^۱

اخبار امام زین العابدین علیه السلام

در کتاب «کمال الدین» آمده که امام زین العابدین علیه السلام فرمود:
«قائم علیه السلام از ماست. ولادتش بر مردم مخفی می‌ماند، بطوری که می‌گویند: او هنوز متولد نشده. به درستی که او خروج می‌کند در وقتی که خروج خواهد کرد و برای احدی در گردن او بیعتی نمی‌باشد.»^۲

اخبار امام محمد باقر علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:
«نزدیک‌ترین خلق به خدا و داناترین و مهربان‌ترین ایشان محمد صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هستند. هر کجا ایشان بروند، شما هم با ایشان بروید و جدایی کنید از کسی که از او جدایی می‌کنند و مُرادم از ائمه، حسین علیه السلام و اولاد او علیهم السلام هستند. به درستی که حق در ایشان است و ایشانند اوصیاء و ائمه از ایشانند. هر جا که ببینید ایشان را، تبعیت

۱- ترجمه ج سیزدهم بحار، ج اول، ص ۱۹۳.

۲- کمال الدین الدین ج ۱ ص ۳۲۲، ح ۶ به نقل از مدرک پیشین ص ۱۹۶.

کنید. هرگاه روزی باشد که از ایشان کسی را نبینید، با نور خدای تعالی روشنایی به هم رسانید و به طریقی که در آن هستید، نظر کنید و به آن تابع شوید. کسی را که پیش تر دشمن می داشتید، دشمن بدانید. کسی را که قبلاً دوست می داشتید، دوست بدانید که به زودی فرج به شما می رسد.^۱

به امام باقر علیه السلام عرض شد: از قائم علیه السلام خبر بده. فرمود:

«به خدا سوگند که او من نیستم. بلکه کسی است که گردن های خود را به سوی وی دراز خواهید کرد - یعنی انتظار خلافت او را خواهید کشید - و ولادتش مخفی خواهد ماند.»

عرض شد: به که اشاره فرمودی؟ فرمود: «به کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او اشاره فرمود.»^۲

اخبار امام صادق علیه السلام

شیخ صدوق علیه السلام در کتاب «کمال الدین» و «علل الشرایع» از سدید روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «به درستی که از قائم علیه السلام سنتی است از یوسف علیه السلام.»

عرض کردم: گویا مراد از سنت یوسف، غیبت و حیرت اوست؟ فرمود: «از این امت انکار این مراتب نمی کنند، مگر اشباه خنازیر. به درستی که برادران یوسف

۲- همان کتاب، ج اول، ص ۲۰۳.

۱- ترجمه ج ۱۳ بحار، ج ۱ ص ۲۰۰.

اسباط و اولاد انبیا بودند. با حضرت یوسف تجارت و خرید و فروش کردند و به او خطاب می کردند و او را نمی شناختند و او ایشان را می شناخت؛ تا این که حضرت یوسف به ایشان فرمود: من یوسفم.

پس چه شده است بر این امت ملعون که انکار می کنند؟ زیرا که خدای تعالی حجت خود را مدتی غایب گرداند. به درستی که یوسف را پادشاه مصر دوست می داشت و ما بین او و پدرش یعقوب هیچده روز راه بود، و اگر در آن حال خدای تعالی اراده شناسانیدن مکان وی می کرد، یقیناً می توانست. بدرستی که بعد از رسیدن مژده به یعقوب، با اولاد خود از راه بیابان در مدّت نه روز به مصر رفتند. پس چرا این امت انکار می کنند که خدا درباره حجت خود چیزی را که درباره یوسف علیه السلام نمود، انجام بدهد؟ و چه می شود که آن حضرت در بازار ایشان برود و روی بساطشان پا بگذارد و ایشان او را شناسند؟ تا وقتی که به اذان خدای تعالی خود را به ایشان شناساند چنان که یوسف را در شناسانیدن خود مأذون نمود در وقتی که فرمود:

هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ * قَالُوا ءَأَنْتَ لَيُوسُفُ قَالَ
أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي * ۱

«حاصل مضمون این است که آیا دانستید که به یوسف و برادرش چه کردید در وقتی که جاهل بودید؟ ایشان گفتند: آیا تو یوسفی؟ فرمود: من یوسفم و این هم

برادر من است.»^۱

در غیبت نعمانی آمده که به حضرت صادق علیه السلام عرض شد: علائم قائم علیه السلام چیست؟ فرمود: «در وقتی که اوضاع و احوال زمان متغیر گردید، خلائق گویند که او مرده یا هلاک گردیده، یا این که به کدام بیابان رفته؟» عرض شد: فدای تو شوم! بعد از آن چه می شود؟ فرمود: «ظهور نمی کند مگر با شمشیر.»^۲

اخبار امام کاظم علیه السلام

در کتاب «کمال الدین» آمده که موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

«خلائق در خصوص صاحب این امر خواهند گفت که هنوز متولد نشده.»^۳

به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض شد: صاحب این امر کیست؟ فرمود: «او مردی است تنها مانده، و از اهل و وطن غایب شده، و پدر او را کشته اند و خون خواهی نکرده است.»^۴

به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض شد: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله! آیا قائم به حق تویی؟ فرمود: «من قائم به حق هستم و لیکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا، پاک و عاری می گرداند و آن را پر از عدل می کند که پر از ظلم و جور شده باشد، امام

۱- ترجمه ج ۱۳ بحار، ج ۱ ص ۲۰۷. ۲- همان کتاب، ص ۲۱۶.

۳- کمال الدین ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۲ به نقل از ترجمه جلد سیزدهم بحار، ج اول، ص ۲۲۱.

۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۴.

پنجمین از اولاد من است. او را از جهت خوف بر نفس خود غیبتی است طولانی، به سبب آن پاره‌ای از اقوام از دین بر می‌گردند و پاره‌ای دیگر در آن ثابت می‌شوند.» بعد از آن فرمود: «خوش به سعادت شیعه ما که در زمان غیبت آن حضرت به محبت ما چنگ زده، و در دوستی ما و دشمنی با دشمنان ما ثابت قدمند. ایشان از ما هستند و ما از ایشانیم. ایشان به امامت ما راضی‌اند و ما به شیعه‌گی ایشان خوشنود هستیم. خوشا به سعادت ایشان. به خدا سوگند یاد می‌کنم هر آینه ایشان در روز قیامت در درجه ما با ما هستند.»^۱

اخبار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

در کتاب «کمال الدین» آمده که خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض شد: امید ما این است که تو صاحب این امر شوی و خدای تعالی آن را بدون قتال و جهاد به تو عطا فرماید، زیرا که خلائق به تو بیعت کرده و درهم و دینار را سگه به نام تو زده‌اند. آن حضرت فرمود: «از ما کسی نیست که نوشتجات به نزد وی آرند و مسایل از او بپرسند و با انگشت‌ها به سوی او اشاره نمایند و اموال به نزد وی بفرستند، مگر این که کشته می‌شود و یا در رختخوابش می‌میرد. تا وقتی که خدای تعالی مبعوث گرداند از ما مردی را که زمان ولادتش و محل نشو و نمایش مخفی می‌شود و

نسبتش غیر مخفی.»^۱

راوی می گوید: از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: «به درستی که مردم به امتحان بزرگی امتحان می شوند؛ در خصوص یک طفل، در حالی که او در شکم مادرش است و هم در حال شیرخوارگی [او نیز به او امتحان می شوند.] تا اینکه گفته می شود که او غایب گردید و وفات نمود. می گویند: بعد از او دیگر امامی نیست و حال آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله چند دفعه در حرا و شعب و غار بیعت نمود.»^۲

اخبار امام جواد علیه السلام

از حضرت سیدالکریم عبدالعظیم حسنی علیه السلام روایت شده که فرمود: به خدمت آقایم امام محمد تقی علیه السلام رفتم که از او پرسم که آیا قائم همان مهدی علیه السلام است یا نه؟ ناگاه آن حضرت علیه السلام به من سبقت نموده فرمود: «یا ابا القاسم! به درستی که قائم ما همان مهدی است که در زمان غیبتش انتظارش را کشیدن واجب است و در وقت ظهورش اطاعتش واجب است. او سومین امام از اولاد من است. سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث گردانید و امامت را به ما منحصر نمود، اگر از دنیا غیر از یک روز باقی نماند، هر آینه خدای تعالی آن را طولانی می کند تا این که آن حضرت در آن روز خروج نماید و زمین را پر از عدل گرداند چنان که پر از ظلم و

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۰ ح ۱ به نقل از ترجمه جلد سیزدهم بحار، ج اول ص ۲۲۵.

۲- ترجمه جلد سیزدهم بحار، ج اول، ص ۲۲۶.

جور گردیده، به درستی که خدای تعالی کار وی را در یک شب اصلاح می کند چنان که کار کلیم خود موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح نمود؛ زیرا که به تحصیل آتش برای اهل و عیال خود رفت و بعد از زمان قلیلی با نبوت و رسالت برگشت. «افضل اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.»^۱

روایت شده که امام جواد علیه السلام فرمود: «بعد از من پسر من علی است، امرش امر من و قولش قول من و اطاعتش اطاعت من است و امام بعد از او پسرش حسن است. امرش امر پدرش و قولش قول او و اطاعتش اطاعت اوست.»
بعد از آن سکوت نمود. آن گاه عرض شد: یا بن رسول الله بعد از حسن امام کیست؟

آن حضرت علیه السلام گریه شدیدی نمود و بعد از آن فرمود: «بعد از حسن پسرش قائم به حق است که انتظارش کشیده می شود». عرض شد: یا بن رسول الله! چرا او را قائم می گویند؟ فرمود: «چون بعد از این که دیگر یاد او نمی کنند و بعد از مرتد شدن اکثر کسانی که قایل به امامت اویند، قیام می کند.»

عرض شد: چرا او را «منتظر» می نامند؟ فرمود: «او غیبتی طولانی دارد که ایامش بسیار و زمانش دراز است. مخلصین منتظر ظهور او می باشند، و ارباب شک منکر او می شوند و منکرین او را استهزا می کنند و کسانی که به ظهورش تعجیل کنند،

هلاک می شوند و کسانی که در مقام تسلیم و رضا باشند، نجات می یابند.»^۱

اخبار امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

روایت شده که وقتی امام محمد تقی علیه السلام شهید شد، شیعیان به خدمت امام علی النقی علیه السلام عریضه نوشتند و در آن از امامت پرسیدند. آن حضرت به ایشان نوشت که: «امامت مادامی که زنده‌ام با من است. وقتی که من وفات نمودم، خلفی از من برای شما می آید، لیکن حال شما چگونه خواهد شد با خلف بعد از خلف؟»^۲

روایت شده که علی بن مهزیار فرموده: به خدمت امام علی النقی علیه السلام عریضه‌ای نوشتم. در آن پرسیدم که: فرج ما کی خواهد بود؟ آن حضرت در جواب من نوشت: «زمانی که صاحب شما از دار ظالمین غایب گردد. آن‌گاه منتظر فرج باشید.»^۳

امام حسن عسکری علیه السلام فرموده: «گویا شما را می بینم که بعد از من در خلف من اختلاف می کنید. آگاه شوید به درستی، کسی که بعد از رسول خدا به همه ائمه اقرار نماید و پسر م را انکار کند، مانند کسی است که به جمیع انبیا اعتراف کند و به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم منکر گردد و منکر او مانند کسی است که همه انبیا را انکار نماید.

۱- همان کتاب ص ۲۲۹.

۲- کمال الدین ج ۲ ص ۳۸۲ ح ۸ به نقل از ترجمه جلد سیزدهم بحار جلد اول ص ۲۳۲.

۳- ترجمه جلد سیزدهم بحار، ج اول، ص ۲۳۲.

زیرا که اطاعت اولین ما مانند اطاعت آخرین ماست و منکر آخرین ما مانند منکر اولین ماست. آگاه شوید به درستی که پسر م را غیبتی می شود که خلائق در خصوص وی شک می کنند، مگر کسی که خدا او را نگه بدارد.^۱

در کتاب «الغیبة» از ابوهاشم جعفری روایت شده است که او گفته: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: جلالت قدر تو مانع می شود که از تو سؤال کنم. آیا اجازه می دهی که از تو سؤال کنم؟ آن حضرت فرمود: «سؤال کن.» عرض کردم: ای سید من! آیا تو پسر داری؟ فرمود: «بلی.» عرض کردم: اگر حادثه ای رخ دهد - یعنی اگر تو وفات کنی - پسر ت را در کدام سرزمین بیابیم و از او سؤال کنیم؟ فرمود: «در مدینه.»^۲

آنچه بر همگان مسلم است این است که تمام انبیاء برای اجرای احکام الهی و گستردن کلمه توحید بر پهنه این کره خاکی تلاش کرده اند و چون این امر به دست هیچ یک از انبیا و اولیای الهی به صورت تمام و کمال انجام نپذیرفته است، لابد است که کسی باید این امر را به انجام برساند و لازمه چنین شخصیتی این است که باید صفات و کمالات تمام انبیاء و اولیای الهی را داشته باشد.

علامه مجلسی رحمته الله در بحار حدیثی را از مفضل بن عمر از امام ابو عبد الله صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «در آن هنگام آقای ما قائم علیه السلام به خانه خدا به پشت خود تکیه

۱- همان کتاب، ص ۲۳۳.

۲- غیبت شیخ طوسی، ص ۱۶۲، تح ۱۲۲ به نقل از ترجمه جلد سیزدهم بحار، ج اول ص ۲۳۲.

زده، می گوید: ای مردم! هر آن که می خواهد آدم و شیث را ببیند، بداند که من آدم و شیث هستم و هر که می خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، بداند که من همان نوح و سام هستم. و هر شخصی که مایل است ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل می باشم و هر که می خواهد موسی و یوشع را ببیند، من همان موسی و یوشع هستم و هر کس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند، من همان عیسی و شمعونم و هر کس می خواهد محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را ببیند، بداند که من همان محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام هستم. و هر که می خواهد حسن و حسین علیهما السلام را ببیند، بداند که من همان حسن و حسین علیهما السلام می باشم. و هر که می خواهد امامان از ذریه حسین علیه السلام را ببیند، بداند که من همان ائمه اطهار علیهم السلام هستم. دعوتم را بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه گفته اند و نگفته اند را به شما خبر دهم.»

در کتاب عزیز مکیال المکارم، جلد اول در بخش چهارم، حرف کاف، آنجا که پیرامون کمالات آن سرور یگانه سخن به میان آمده است، شباهت آن حضرت با انبیای الهی و اولیای خدا مورد بررسی قرار گرفته است. در این کتاب به بخش هایی از آن شباهات و کمالات پرداخته خواهد شد. کلیه آنچه در این مقوله خواهد آمد از کتاب شریف مکیال المکارم اقتباس شده. لذا تا پایان این بخش از ذکر پناورقی خودداری می کنیم.

شباهت حضرت به انبیاء و اولیای الهی علیهم السلام

شباهت به آدم علیه السلام:

خداوند دربارهٔ آدم علیه السلام فرمود:

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ

حضرت حجت نیز وارث زمین و حجت خدا و خلیفهٔ اوست در زمین. چنان که

خداوند فرموده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که آدم علیه السلام آن قدر برفراق بهشت گریست تا این که

اشک از دو گونه‌اش مانند آب‌راه جاری شد.

حضرت قائم علیه السلام نیز مانند آدم علیه السلام زیاد گریه می‌کند. چنان که در زیارت ناحیه

مقدسه از آن حضرت است که خطاب به جدش امام حسین علیه السلام می‌گوید: شب و

روز برایت ندبه می‌کنم و به جای اشک بر تو خون می‌گیریم.

شبهات به هابیل علیه السلام

در تاریخ هست که نزدیک ترین و خویشاوندترین افراد نسبت به هابیل علیه السلام قصد جان او را کرد. درباره امام زمان علیه السلام نیز این مسأله صدق می کند. از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمودند: «گویا جعفر کذاب را می بینم که سرکش زمانش را بر تفتیش امر ولی خدا و آن که در غیبت الهی محفوظ و بر حرم پدرش موکل است، وادار می کند، به خاطر جهل او به ولادتش و حرص بر کشتنش - اگر بر او دست یابد - از روی طمع در میراث پدرش تا آن را به ناحق بگیرد.»

شبهات به شیث علیه السلام

هبة الله شیث علیه السلام، اجازه نیافت که علم خود را آشکار کند، چنانچه از امام باقر علیه السلام در خبری طولانی آمده که: «وقتی هبة الله پدرش آدم را دفن کرد، قابیل به نزدش آمد و گفت: ای هبة الله من دیدم که پدرم آدم تو را از علم آن قدر عطا کرد که به من عطا نکرد. و آن همان علمی است که برادرت هابیل به آن دعا کرد و قربانی اش قبول شد و بدین جهت او را کشتم که فرزندان نداشته باشد تا بر فرزندان من افتخار کنند و بگویند ما فرزندان کسی هستیم که قربانی اش قبول شد و شما فرزندان کسی هستید که قربانی او قبول نشد. و تو اگر علمی را که پدرم به تو اختصاص داده آشکار کنی تو را هم می کشم همان طور که برادرم هابیل را کشتم. پس هبة الله و فرزندان او مخفی می کردند آنچه از علم و ایمان نزد آنها بود....»

حضرت قائم علیه السلام نیز اجازه الهی نیافته است که علم خود را آشکار کند، تا روز

وقت معین.

چنانچه وارد شده، فرموده است: ... ستمگران پنداشته‌اند که حجّت الهی باطل و نابود است، و حال آن که اگر در سخن به ما اجازه داده شود، شک از بین می‌رود.

شباهت به نوح علیه السلام

چنانچه نوح نبی -علی نبینا و آله و علیه السلام- شیخ الانبیاست، حضرت حجّت علیه السلام نیز شیخ الاوصیاست.

شباهت دیگر این که چنانچه نوح نبی علیه السلام زمین را از وجود کافرین پاک گردانید، حضرت حجّة علیه السلام نیز زمین را از لوث وجودی کافرین با شمشیر خود پاک خواهد کرد.

دیگر این که فرج نوح علیه السلام و اصحابش به قدری به تأخیر افتاد که بیشتر معتقدین آن حضرت از او برگشتند. فرج امام زمان علیه السلام نیز به قدری به تأخیر خواهد افتاد که بیشتر معتقدین به آن حضرت از او بر می‌گردند.

شباهت دیگر این است که صدای نوح علیه السلام به شرق و غرب عالم می‌رسید و این یکی از معجزات آن حضرت بود.

قائم علیه السلام نیز هنگام ظهور، بین رکن و مقام می‌ایستد و فریادی بر می‌آورد و می‌گوید: ای نقبا و سرداران من، و ای خواص من، و ای کسانی که خداوند پیش از ظهور، آنان را بر روی زمین برای یاری من ذخیره کرده! با خواست و رغبت به سوی من آید.

پس صدای حضرت به آنها می‌رسد و یک چشم به هم زدن نمی‌گذرد که همگی آنها بین رکن و مقام قرار می‌گیرند.

شباہت به ادریس علیه السلام

در مجمع البیان آمده که ادریس علیه السلام به آسمان برده شده، همان‌گونه که عیسی علیه السلام به آسمان برده شده است و دیگران گفته‌اند که بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح شده است.

حضرت قائم علیه السلام نیز به جایگاه والایی در آسمان رفت. در حدیثی که در کتاب «کمال الدین» از حکیمه خاتون علیها السلام نقل شده چنین آمده است: پس امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را گرفت، در حالی که کبوترها بالای سرش پرواز می‌کردند. آن‌گاه امام علیه السلام به یکی از کبوترها بانگ زد که او را بردار و حفظ کن و هر چهل روز به ما برگردان. آن کبوتر او را برگرفت و به سوی آسمان پرواز کرد و بقیه کبوترها نیز پیروی کردند. آن‌گاه شنیدم که حضرت ابومحمد (امام حسن عسکری علیه السلام) می‌فرمود: تو را به کسی می‌سپارم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد. نرجس خاتون علیها السلام گریست. آن حضرت به او فرمود: آرام باش که شیر جز از پستان‌های تو بر او حرام است و به زودی به تو باز خواهد گشت. چنان که موسی علیه السلام به مادرش باز گردانده شد.

حکیمه علیها السلام گوید: عرض کردم: این پرنده چیست؟ فرمود: این روح القدس است که موکل به امامان است. آنها را تسدید و توفیق می‌دهد و به علم تربیت می‌کند.

شبهات دیگر آن حضرت علیه السلام با ادریس پیامبر این است که ادریس نیز از قوم خود غایب شد و هنگامی که ظهور کرد، پادشاه ستمگر و مردم تسلیم او شدند. حضرت حجت علیه السلام نیز وقتی ظهور می کند همه را تحت فرمان خود در خواهد آورد.

شبهات به هود علیه السلام

مژده هود علیه السلام توسط نوح نبی داده شده بود و مژده حضرت حجت علیه السلام نیز توسط پدران بزرگوارش به مردم داده شده است.

وقتی خدا خواست که دشمنان هود علیه السلام را نابود می کند، بادی را فرستاد که به گفته قرآن کریم بر چیزی نگذشت، مگر آن که آن را مثل استخوان خاک شده کرد. سپس بر هود علیه السلام غیبتی واقع شد و پس از مدتی ظهور کرد.

همان طور که خداوند دشمنان هود علیه السلام را بوسیله باد عظیمی هلاک کرد، برخی از دشمنان حضرت قائم علیه السلام را نیز بوسیله بادی سیاه نابود خواهد کرد.

شبهات به صالح علیه السلام

صالح علیه السلام از قومش غایب شد و پس از آن که به سوی آنها بازگشت، عده کثیری او را انکار کردند. چرا که وقتی از ایشان غیبت یافت، میانسال، خوش هیكل و خوش اندام بود. ریش انبوه و شکم خفته ای داشت، گونه هایش سبک و در میان مردم میان بالا بود. هنگامی که به قومش بازگشت، او را به صورتش نشناختند.

قائم علیه السلام هم مانند صالح علیه السلام خواهد بود. آن چه بر صالح جاری شده بی کم و

کاست بر او جاری می شود با آن که در سنّ پیری و پس از عمری طولانی ظهور می کند، به صورت جوانی کم تر از چهل سال است.

شباهت به ابراهیم علیه السلام

دوران حمل و ولادت ابراهیم علیه السلام مخفیانه بود. قائم علیه السلام نیز حمل و ولادتش مخفی بود.

ابراهیم علیه السلام در یک روز به قدر یک هفته و در یک ماه به قدر یک ماه و در یک ماه به قدر یکسال رشد می کرده است.

قائم علیه السلام نیز چنین بوده است. چنانچه از حکیمه علیها السلام روایت شده که پس از گذشت چهل روز به خانه حضرت ابومحمد (امام عسکری علیه السلام) وارد شدم که ناگاه مولایم صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که در خانه راه می رود. از او زیبا روی تر و فصیح تر ندیده بودم. حضرت ابومحمد علیه السلام به من فرمود: این است مولود گرامی نزد خداوند - عزوجل - عرض کردم: ای آقای من! چهل روزه است و من این وضع را در او می بینم؟ فرمود: ای عمّه من! مگر ندانستی که ما گروه اوصیا در یک روز به مقدار یک هفته دیگران و در یک هفته به مقدار یک ماه دیگران و در یک ماه به مقدار یک سال دیگران رشد می کنیم.

شباهت دیگر آن حضرت علیه السلام با حضرت ابراهیم علیه السلام این است که او علیه السلام نیز مثل ابراهیم پیراهن بهشتی بر تن خواهد کرد.

ابراهیم علیه السلام وقتی که به آتش افکنده شد، جبرائیل برایش جامه ای از بهشت آورد.

حضرت قائم علیه السلام نیز همان جامه را هنگامی که قیام کند خواهد پوشید. در کتاب «کمال الدین» از مفضل از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت علیه السلام فرمود: «آیا می دانی پیراهن یوسف چه بود؟» گفتم: نه. فرمود: «وقتی برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند، جبرئیل علیه السلام یکی از جامه های بهشتی را آورد و بر او پوشانید. پس با آن پیراهن گرما و سرما در او اثر نمی کرد و چون هنگام وفاتش رسید، آن را در بازوبندی قرارداد و بر اسحاق آویخت. و اسحاق هم بعداً آن را بر یعقوب آویخت و هنگامی که یوسف متولد شد، یعقوب آن را بر او آویخت و این در بازوی او بود تا بر او گذشت آنچه که گذشت، و هنگامی که یوسف علیه السلام آن پیراهن را از بازوبند بیرون ساخت، یعقوب بوی آن را شنید. همین است که خداوند به حکایت از او فرموده است:

إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تَفْنَدُونَ. ۱

«همانا من بوی یوسف را می شنوم، اگر مرا به کم عقلی نسبت دهید.»

این همان پیراهنی است که از بهشت نازل شده بود.»

عرض کردم: فدایت شوم! این پیراهن به که می رسد؟ فرمود: «به اهل آن و پیراهن همراه قائم ماست هنگامی که خروج نماید. سپس فرمود: هر پیغمبری که علمی یا چیزی را وارث بوده، به محمد صلی الله علیه و آله رسیده است.»

در بعضی از کتاب ها از محمد بن زید کوفی از امام صادق علیه السلام منقول است که

فرمود: «هنگامی که قائم علیه السلام خروج می کند، شخصی از اصفهان نزد آن حضرت می آید و معجزه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را تقاضا می کند، پس آن جناب دستور می دهد که آتش عظیمی بر افروزند و این آیه را می خوانند:

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^۱

«پس منزّه است خداوندی که مالکیت و زمام همه چیز در دست اوست، و به سوی او

بازگردانده می شوید.»

سپس داخل آتش می شود و آن گاه به سلامت از آن بیرون می آید. آن مرد ملعون این معجزه را انکار می کند و می گوید: این سحر است. پس آن حضرت علیه السلام به آتش دستور می دهد، مرد را می گیرد و می سوزاند و می فرماید: «این سزای کسی است که صاحب الزّمان و حجّت الرحمان را انکار نماید.»

شباهت به اسماعیل علیه السلام

خداوند همان گونه که به ولادت اسماعیل علیه السلام بشارت داده است، به ولادت قائم علیه السلام نیز بشارت داده است.

در خبر هست همان گونه که آب برای اسماعیل علیه السلام از زمین جوشید، برای قائم علیه السلام نیز از سنگی آب خواهد جوشید.

و چنانچه اسماعیل علیه السلام چوپانی و گوسفند چرانی می کرده است، قائم علیه السلام نیز این

کار را خواهد کرد.

مفضل در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «و قسم به خدا ای مفضل! گویا می نگرم او را که داخل مکه شده و جامه پیغمبر صلی الله علیه و آله را پوشیده و عمامه زردی به سر نهاده و نعلین وصله شده پیغمبر صلی الله علیه و آله را به پا کرده و عصای آن حضرت را به دست گرفته، چند بُز لاغر را می راند و با این وضع می رود تا به خانه کعبه می رسد. در آن هنگام کسی نیست که او را بشناسد. او در سن جوانی آشکار می گردد.»

شباهت به اسحاق علیه السلام

اسحاق علیه السلام وقتی متولد شد که ساره از بچه دار شدن مأیوس شده بود.

خدای عزوجل چنین بشارت داده که:

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَقَ يَعْقُوبَ قَالَتْ يَا وَيْلَتَى
أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ.^۱

«زنش در حالی که ایستاده بود، [از خوشحالی] خندید. پس او را به اسحاق و بعد از او به

یعقوب بشارت دادیم. [سارا] گفت: آیا می شود من بزرایم، در حالی که پیر زنی هستم و

شوهرم پیر مردی است! همانا این چیز شگفتی است.»

قائم علیه السلام نیز بعد از آن که مردم از ولادت او مأیوس شدند، ولادتش بشارت داده شد.

شباهت به لوط علیه السلام

همان‌گونه که فرشتگان برای یاری لوط علیه السلام نازل شدند، برای یاری حضرت قائم علیه السلام نیز نازل خواهند شد. در خبر کنیز امام حسن عسکری علیه السلام آمده که: وقتی سید -یعنی حضرت حجّت علیه السلام- متولد شد، نور درخشنده‌ای دیدم که از آن حضرت آشکار شد و تا افق آسمان رفت و پرندگان سفیدی را دیدم که از آسمان فرود می‌آیند، بال‌های خود را بر سر و صورت و بدنش می‌کشند و سپس پرواز می‌کنند. وقتی این مطلب را به ابومحمد (امام عسکری علیه السلام) عرض کردم، خندید و فرمود: «این‌ها فرشتگانی هستند، فرود آمده‌ند تا به این مولود تبرک جویند و این‌ها یاران او خواهند بود هنگامی که خروج می‌کند.»

دیگر شباهت حضرت قائم علیه السلام به لوط علیه السلام این است که همان‌گونه که لوط علیه السلام از بلاد فاسقین بیرون رفت، حضرت حجّت علیه السلام نیز از بلاد فاسقین بیرون رفته است.

شباهت به یعقوب علیه السلام

همان‌گونه که خداوند پریشان و پراکندگی یعقوب را جمع کرد و فراهم آورد، این کار را با حضرت قائم علیه السلام نیز انجام خواهد داد. یعقوب علیه السلام از هجر یوسف علیه السلام آنقدر گریست که چشمانش سفید شد و حضرت حجّت نیز برای جدّ غریبش حسین علیه السلام گریسته و می‌گرید. در زیارت ناحیه آمده است که آن حضرت فرموده:

«وَلَأُبَكِّينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا.»

شبهات دیگر این است که همان‌گونه که یعقوب علیه السلام منتظر فرج بوده است، حضرت قائم علیه السلام نیز منتظر فرج است.

شبهات به یوسف علیه السلام

همان‌طور که یوسف علیه السلام زیباترین افراد زمان خود بود، امام زمان علیه السلام نیز زیباترین اهل زمان خود است.

یوسف علیه السلام مدتی طولانی غایب شد تا این که برادران بر او داخل شدند. پس آنان را شناخت در حالی که آن‌ها او را نشناختند. قائم علیه السلام نیز از خلق، غایب شده، در حالی که در میان آن‌ها راه می‌رود و آنان را می‌شناسد ولی آن‌ها او را نمی‌شناسند. یوسف علیه السلام دچار زندان شد. وی گفت:

«رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ.»

پروردگارا! زندان برایم از چیزی که اینان مرا به آن فرا می‌خوانند، دوست داشتنی‌تر است.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام چنین آمده که فرمود:

«در صاحب امر سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله هست. - تا آن جا که فرمود: - و اما سنت از یوسف، زندان و غیبت است.»

شباهت به خضر عليه السلام

خضر عليه السلام دارای عمری است طولانی. حضرت حجت عليه السلام نیز دارای عمری شریف و طولانی است از روایات چنین استفاده می‌شود که حکمت این که عمر خضر طولانی شده این است که دلیلی باشد بر طول عمر حضرت حجت عليه السلام.
حضرت صادق عليه السلام فرموده:

«و اما خداوند به بنده صالح خضر عليه السلام عمری طولانی عنایت فرمود. نه به خاطر نبوتی که برایش تقدیر کرده باشد، یا کتابی که بر او نازل فرماید، و نه آیینی که شرایع دیگر را نسخ نماید و نه برای امامتی که بندگان خود را به اقتدای او ملزم سازد و نه اطاعتی که بر او فرض نماید. بلکه چون در علم خداوند تبارک و تعالی گذشته بود که عمر قائم عليه السلام در دوران غیبت طولانی خواهد شد - تا آن جا که بندگان او باور نکنند و آن عمر طولانی را انکار کنند - خداوند عمر بنده صالح (خضر) را بدون سبب طولانی نساخت، مگر به علت استدلال به وسیله آن بر عمر قائم عليه السلام و این که دلیل و برهان معاندین را قطع نماید که مردم را بر خداوند حجتی نباشد.»

شباهت به موسی عليه السلام

همان طور که دوران حمل و ولادت موسی عليه السلام مخفی بود، دوران حمل و ولادت حضرت حجت عليه السلام نیز مخفی بود. موسی عليه السلام دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی تر بود. غیبت‌های حضرت حجت عليه السلام نیز همین گونه است.

حضرت صادق عليه السلام فرموده است: «در قائم عليه السلام سنتی از موسی بن عمران عليه السلام

هست.» عرض شد: سنتی که از موسی بن عمران در او هست چیست؟ فرمود:
«مخفی بودن ولادتش و غیبت از قومش.»

چنان که موسی بن عمران علیه السلام خائف بود و می ترسید، سرور ما نیز خائف است.
معجزاتی که از موسی علیه السلام بوسیله عصایش صادر شده، از قائم علیه السلام نیز صادر خواهد
شد.

همان گونه که برای حضرت موسی علیه السلام دوازده چشمه جوشید، برای حضرت
حجت علیه السلام نیز از سنگ آب خواهد جوشید.

امام باقر علیه السلام فرموده: «هرگاه قائم علیه السلام ظهور نماید، با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و
انگشتی سلیمان و سنگ و عصای موسی قیام خواهد کرد. پس دستور می دهد که
منادی آن حضرت اعلام کند: هیچ کس از شما آب و غذا و علوفه بر ندارد. اصحاب
آن حضرت می گویند: می خواهد ما و چهار پایانمان را از گرسنگی و تشنگی بکشد!
پس آن حضرت حرکت می کند، اصحاب هم در خدمتش حرکت می کنند. و اولین
منزلی که فرود می آید، به سنگ می زند. از آن غذا و آب و علوفه بیرون می آید. پس
از آن می خورند و می آشامند و چهارپایان را نیز علوفه می دهند تا در پشت کوفه به
نجف برسند.»

همان گونه که خداوند متعال امر موسی بن عمران علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود،
امر حضرت حجت علیه السلام نیز در یک شب اصلاح خواهد شد.

امام جواد علیه السلام فرمود: «به تحقیق که خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب
اصلاح خواهد کرد. همچنان که امر کلیم خود موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح

فرمود، که برای برگرفتن آتش برای خانواده‌اش رفت ولی در حالی که به پیغمبری و رسالت مبعوث شده بود، بازگشت.

شباهت به ایوب علیه السلام

حضرت ایوب علیه السلام بر بلاى الهی صبر کرد. امام زمان علیه السلام نیز بر بلا صبر می کند.

شباهت به زکریا علیه السلام

زکریا علیه السلام در مصیبت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام سه روز گریه کرد. قائم علیه السلام نیز تمام عمر بر آن حضرت علیه السلام می گرید. در زیارت ناحیه مقدسه آمده که فرمود:

«لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأُبَكِّينَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمَاءً»

شباهت به عیسی علیه السلام

عیسی علیه السلام فرزند بهترین زنان زمان خود بود. قائم علیه السلام نیز فرزند بهترین زنان زمان خود می باشد.

همان گونه که عیسی علیه السلام در شکم مادر و در گهواره تکلم نمود، حضرت حجّت علیه السلام نیز در رحم مادر بزرگوارش و در گهواره تکلم فرموده است.

همان گونه که در مورد حضرت عیسی علیه السلام اختلاف شد، در مورد حضرت قائم علیه السلام نیز اختلاف شده است.

حضرت صادق علیه السلام در بیان شباهت حضرت حجّت علیه السلام به حضرت عیسی علیه السلام

فرمود: «یهود و نصاری اتفاق کردند بر این که عیسی علیه السلام کشته شد، ولی خداوند - عزوجل - آنها را تکذیب کرد و فرمود:

«وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»^۱

غیبت قائم علیه السلام نیز همین طور است که عاقبت، این امت آن را انکار خواهد کرد. به خاطر طولانی شدن آن بعضی هدایت نشوند و خواهند گفت: اصلاً متولد نشده و بعضی دیگر خواهند گفت: متولد شده و مرده و کسانی کفر می ورزند، چون می گویند: یازدهمین نفر از ما عقیم بوده. و برخی سرکش خواهند شد به این که: امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت دهند.

و دیگران خدای - عزوجل - را معصت کنند به این که بگویند: روح قائم علیه السلام در کالبد دیگری وارد شده و او سخن از زبان آن حضرت می گوید.

شباهت به خاتم النبیین صلی الله علیه و آله

سخن جامع در این باب فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که فرمود:

«مهدی از فرزندان من است. اسم او اسم من، و کنیه اش کنیه من، از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است...»

شباهت به ائمه معصومین علیهم السلام

شباهت به امیرالمؤمنین علیه السلام

بارزترین صفات در این شباهت صفات علم، زهد و شجاعت می باشد.

شباهت به امام حسن علیه السلام

بارزترین صفات در این شباهت حلم و بردباری است.

شباهت به امام حسین علیه السلام

۱- شدت اهتمام در عمل به قرآن و سنت پیغمبران.

۲- پیامبران، هم قبل از شهادت سیدالشهداء علیه السلام بر او گریستند و هم پیش از ظهور امام عصر علیه السلام از خدا طلب ظهور او را نمودند.

۳- اهتمام امام حسین علیه السلام و امام عصر علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر.

۴- نبودن بیعت طاغوت زمان بر هر دو (امام حسین و امام عصر علیه السلام).

نقل است که سیدالشهداء عليه السلام در روز عاشورا در جواب کسانی که گفتند به حکم و حکومت عمو زادگان سر فرود آر، فرمود:

«لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيدِ»^۱

۵- عروج به آسمان.

۶- آرزوی حضور در کربلا برابر است با فیض شهادت. همچنین آرزوی حضور در زمان ظهور قائم عليه السلام و جهاد در رکاب او نیز برابر است با فیض شهادت.

۷- حضرت حسین عليه السلام در حالی که می‌ترسید از مدینه خارج شد و در مکه نزول اجلال فرمود و بعد به سمت کوفه حرکت فرمود. حضرت حجّت عليه السلام نیز از مدینه در حالی که می‌ترسد وارد مکه می‌شود و لشکر سفیانی حضرت را تعقیب می‌کند. تا این که در پیدا به زمین فرود می‌روند.

۸- مصیبت امام حسین عليه السلام و امام عصر عليه السلام هر دو سنگین است.

سیدالشهداء عليه السلام بر آن مصیبت عظیم دچار شد که شرح زیادی دارد. و اما امام زمان عليه السلام چون مجموع تمام انبیاء و اولیاست، پس مرکز و کانون تمام بلیات و مصیبات نیز هست.

شباهت به امام سجّاد عليه السلام

بارزترین صفات در این شباهت عبادت است. در روایت است که از یکی از

کنیزان آن حضرت راجع به حالات آن حضرت پرسیدند. گفت: خلاصه بگویم یا مفصل؟ گفتند: خلاصه بگو. گفت: هیچ گاه در روز برایش غذا نبردم و در شب برایش رختخواب نینداختم.

شباهت به امام باقر عليه السلام

بارزترین صفات در این شباهت، شباهت به رسول خداست صلی الله علیه و آله. می گویند وقتی جابر انصاری امام باقر عليه السلام را دید، با این که قبلاً امام حسن و حسین عليه السلام را نیز دیده بود گفت: به پروردگار کعبه قسم که شمایل، شمایل پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

شباهت به امام صادق عليه السلام

بارزترین صفات در این شباهت کشف علوم و بیان احکام برای مردم است.

شباهت به امام کاظم عليه السلام

بارزترین صفات در این شباهت تقیه و شدت ترس از دشمنان است.

شباهت به امام رضا عليه السلام

بارزترین صفات در این شباهت ریاست و مقام ظاهری و برداشته شدن ترس و تقیه است.

شباهت به امام جواد عليه السلام

بارزترین صفات در این شباهت رسیدن به امامت در سن طفولیت است.

شباهت به امام هادی عليه السلام

بارزترین صفات در این شباهت هیبت این دو بزرگوار است. به طوری که می‌گویند احتراماتی که از طرف دشمنان نسبت به امام هادی عليه السلام انجام می‌شده است، به خاطر ترس از آن بزرگوار بوده، نه به خاطر علاقه به آن بزرگوار.

شباهت به امام عسکری عليه السلام

در این شباهت نیز بارزترین صفات همان هیبت و بزرگی است.

حقوق امام زمان عليه السلام بر ما

چنانچه می‌دانیم خداوند کریم به وجود و به واسطه امام معصوم عليه السلام موجودات را آفریده است. در دعا نیز این مضمون در این قالب آمده است که:

وَ يُمْنِهِ رِزْقَ الْوَرَاءِ وَ بِوُجُودِهِ سَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

با این توضیح مختصر مشخص می‌شود که چنین شخصیتی دارای حقوقی ویژه خواهد بود که سایر افراد از این حقوق بی‌بهره‌اند. در چند سطر زیر مختصری راجع به این حقوق صحبت می‌شود:

۱- حق وجود و هستی

فرموده‌اند: «وَنَحْنُ صَانِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَانِعُنَا...»^۱

این بدین معناست که اهل بیت علیهم السلام واسطهٔ آفریده شدن و واسطهٔ رسیدن فیض از رب به مخلوقات هستند. در دعای ندبه نیز می‌خوانیم:

«أَيُّنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ...»

پس معلوم شد که اهل بیت علیهم السلام علت آفرینش ما هستند و اشرف مخلوقات می‌باشند.

چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز طی سخنانی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«یا علی! خداوند تبارک و تعالی پیغمبران مرسل را به فرشتگان مقرب خویش برتری داد و مرا بر همهٔ پیغمبران و مرسلین برتری بخشیده...»

۲- حق قرابت و خویشاوندی پیغمبر صلی الله علیه و آله

خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. ^۲

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که منظور از «القربی» در این آیه امامان هستند. ^۳

۱- الاحْتِجَاج، ج ۲، ص ۲۷۸ — نقل از مکیال المکارم ج ۱، ص ۷۱.

۲- سورهٔ شوری، آیه ۳۳. — مکیال المکارم ج ۱، ص ۷۶.

در حدیث آمده که حضرت قائم علیه السلام هنگام ظهورش می فرماید:
«و از شما می خواهم شما را به خدا و حق رسول خدا و حق خودم بر شما - که
مرا بر شما حق قرابت و خویشاوندی پیامبر است -»^۱

۳- حق پدر بر فرزند

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ^۲

یعنی من و علی دو پدر این امت هستیم.

آنچه از این حدیث شریف دریافت می شود این است که امامتی که وجه مشترک
است بین حضرات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام باعث این ابوت شده، چه این
که از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود:

«الْإِمَامُ، الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ»^۳

«یعنی امام، همدم همراه و پدری مهربان است.»

۱- الغيبة نعمانی، ص ۱۴۹.

۲- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۱ به نقل از مکبیل المکارم.

۳- مکبیل المکارم، ج ۱، ص ۷۸.

۴- حق عالم بر متعلم

چنانچه بر همگان روشن است، ائمه طاهرين علیهم السلام معدن علم هستند. خداوند کریم در قرآن می فرماید:

«فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱

«پس از اهل ذکر پرسید اگر نمی دانید.»

۵- حق امام بر رعیت

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد که حق امام بر مردم چیست؟ فرمود:
«حق او بر آنها این است که آنچه می گویند بشنوند و او را اطاعت کنند.»^۲

غیبت صغری

آنچه معلوم است در امر غایب شدن آن ولی عزیز خدا این است که آن بزرگوار دو غیبت داشته اند؛ یکی کوچک و یکی بزرگ.

مراد از غیبت صغری فقط این نیست که چون مدت آن کمتر بوده به آن صغری

۱- سوره انبیاء آیه ۷.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

می‌گویند، بلکه در کیفیت نیز متفاوت بوده؛ مثلاً اگر هرکس کاری با امام زمان علیه السلام داشت به وسیله نواب اربعه علیهم السلام کار خود را با امام زمان علیه السلام در میان می‌گذاشت. لذا منظور از غیبت صغری از زمان ولادت آن بزرگوار است تا زمان انقطاع سفارت. سدید صرفی می‌گوید: من و «مفضل بن عمر» و «ابوبصر» و «ابان بن تغلب» به خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتیم. دیدیم که آن بزرگوار بر روی خاک نشسته و جامه بی‌گریبان و آستین کوتاه - که آن را مسح خیبری گویند - پوشیده و مانند زن بی‌چهره مرده گریه می‌کند و حزن و اندوه از حالتش ظاهر و چشم‌هایش پر از اشک شده و ابیاتی به این مضمون می‌خواند که:

- ای سید من! غیبت تو خواب را از من ربود و رختخواب را بر تنگ نمود و استراحت را از دلم برد!

- ای سید من! غیبت تو، مصیبت مرا به اندوه ابدی [تبدیل ساخته]، و به مصائبی که هر یک بعد از دیگری رو می‌آورد [مبدل]، [و] از کسان خود جدا نمود [ه است]، و دیگر به اشک چشم و درد سینه - که از مصایب و بلیات گذشته من بود - اعتنایی ندارم؛ زیرا که مصایب تو از همه بزرگ‌تر، و بلیات تو شدیدتر و سخت‌تر می‌باشد.^۱

نَوَاب اربعه

در زمان غیبت صغری چهار نفر بودند که یکی پس از دیگری در میان مردم سفیر حضرت حجّت علیه السلام به شمار می رفتند.

۱- عثمان بن سعید عمری

امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام نص بر امانت و عدالت او فرموده اند و به شیعیان فرموده بودند: «آنچه او گوید، از ما گوید و حق باشد.»^۱

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان

او پسر «عثمان بن سعید عمری» است که پس از وفات پدرش به این منصب رسید. به نص حضرت عسکری علیه السلام امانت، وثاقت و دیانت او ثابت شده. در توقیعی که از ناحیه مقدّسه به سوی او خارج شده، آمده است: «... پس خدا او (پدرت) را در بازگشتش به آخرت شاد گرداند، و از جمله کمال سعادت او آن است که حق تعالی به او فرزندی مثل تو عطا فرموده که جانشین او باشی بعد از او، و...»^۲

۲- کمال الدین ج ۲ ص ۱۸۸.

۱- همان کتاب، ص ۱۹۵.

۳- شیخ جلیل، ابوالقاسم حسین بن روح

او بیشتر از بیست و یک سال امر سفارت امام زمان علیه السلام را بر عهده داشت. به قدری تقیه‌اش شدید بود که اکثر اهل تسنن او را از خود می‌دانستند. با وجود این که «جعفر بن محمد بن متیل» خیلی به «محمد بن عثمان» نزدیک بود و اکثر کارهای حضرت حجّت علیه السلام را انجام می‌داد و همه مردم نیز گمان می‌کردند که بعد از «محمد بن عثمان» این «جعفر علیه السلام» است که نایب خاص می‌شود، اما دستور رسید که «حسین بن روح» باید سفیر باشد. بعد از وفات «محمد بن عثمان»، «جعفر بن محمد» به خدمت «حسین بن روح» در آمده و عمر خود را در محضر مبارک او صرف نمود. - درود خدا بر آنها-^۱

۴- شیخ جلیل علی بن محمد سمری

«حسین بن روح علیه السلام» به امر حضرت صاحب علیه السلام او را وصی خود قرار داد. او مدت سه سال بر منصب سفارت ولی خدا علیه السلام مفتخر بود. او خبر مرگ خود را از ناحیه مقدسه حضرت حجّت علیه السلام دریافت کرد و دستور یافت که کسی را وصی و جانشین خود قرار ندهد.^۲

غیبت کبری

وقتی شیخ جلیل «علی بن محمد سمیری» به دیار باقی رحلت نمود، غیبت کبری شروع شد. اکنون ما نیز در غیبت کبرای آن امام عزیز قرار داریم. امام زمان علیه السلام در مکان‌های مختلفی دیده شده. با این وجود بعضی از مردم می‌گویند او مکان خاصی دارد و در جای معینی زندگی می‌کند. بعضی‌ها می‌گویند که دو شهر در مشرق و مغرب عالم وجود دارد که آن سوی سرزمین‌هاست. نام یکی «جابلسا» و نام دیگری «جابلقا» می‌باشد. اهل تسنن نیز اعتقاد دارند که آن حضرت در قریه‌ای به نام «کوعه» زندگی می‌کند.^۱ عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که امام زمان علیه السلام در «جزیره خضرا» زندگی می‌کند و دارای اولاد و خاندان بزرگی است.

توقیعات

توقیع در اصل لغت یعنی حاشیه نویسی. این لفظ از زمانی رایج شد که امرا و سلاطین در کنار نامه‌ها و یا در زیر نامه‌ها جواب آن را می‌نوشتند و به نویسنده نامه می‌دادند.

در کتاب «تاریخ بیهقی» نوشته ابوالفضل بیهقی - که ریاست دیوان رسالت محمود غزنوی را به عهده داشت - انواع نامه‌های مرسوم در حکومت آن وقت با

ذکر نام و محتوای آن‌ها دیده می‌شود. ظاهراً توقیع به این معنی بوده که سلطان علاوه بر این که نامه را انشاء می‌کرده تا کاتب بنویسد، در انتها - بعد از تمام شدن متن و جواب اصلی نامه - سطری و یا کلماتی را هم با خط خود به خاطر بزرگداشت نویسنده نامه، اضافه می‌کرده.

می‌دانیم که حضرت حجّة علیه السلام جواب نامه‌هایی را در مدت غیبت خود داده‌اند که به آن جواب‌ها توقیعات گفته می‌شود. مثلاً برای شیخ مفید رحمته الله، محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، اسحاق بن یعقوب، عمری و پسرش - رضی الله عنهما -، احمد بن اسحاق و... توقیعاتی صادر شده است.

در این جا بخشی از توقیع شریفی که برای شیخ مفید رحمته الله صادر شده را می‌آوریم:

«... لیکن علم ما احاطه دارد به اخبار شما و پنهان نیست از ما چیزی از احوال شما و عارف هستیم به آن لغزش‌هایی که به شما رسیده در آن زمان که میل نمود بسیاری از شما به سوی آن چیزی که پیشینیان صالح از آن کناره کردند و آن عهده را که خدا از ایشان گرفته بود، پست سر انداختند، گویا نمی‌دانند که ما از مراعات شما دست بر نمی‌داریم و ذکر شما را فراموش نمی‌کنیم؛ و اگر چنین نباشد، بلاها بر شما نازل شود و اعدا شما را تمام کنند.»^۱

علائم ظهور

چنانچه از روایات بر می آید، قبل از ظهور حضرت حجة الله علیه علائمی به وقوع خواهد پیوست، مثل خروج سفیانی، دجال و غیره.

در کتاب «قرب الاسناد» از امام صادق علیه السلام آمده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «حال شما چگونه خواهد بود وقتی که زنان شما ضایع و فاسد - یعنی: زناکار - و جوانان شما فاسق، - یعنی: لواط کار - شوند و به معروف امر نکنید و از منکر نهی ننمایید.» در آن حال عرض شد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله آیا این که فرمودی، خواهد شد؟ فرمود: «آری، بدتر از این هم خواهد شد و چگونه خواهد بود حال شما وقتی که امر به منکر کنید و از معروف نهی کنید!» عرض شد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! آیا این می شود؟ فرمود: «آری، بدتر از این هم خواهد شد. و چگونه خواهد بود حال شما وقتی که معروف را در میان خلائق منکر ببینید و منکر را معروف.»^۱

حضرت صادق علیه السلام فرموده است: «پیش از قیام قائم علیه السلام پنج علامت ظاهر خواهد شد و آنها عبارتند از: صیحه، خروج سفیانی، خسف زمین در پیدا، خروج یمانی و قتل نفس زکیه.»^۲

۲- همان کتاب، ص ۴۷.

۱- ترجمه ج سیزدهم بحار، ج ۲ ص ۷.

دعای برای امام زمان

در توقیع شریفی که از آن حضرت علیه السلام روایت شده، چنین آمده است:
«و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن فرج شماست.»^۱
از جمله بالا استفاده می شود که دعا در حق حضرت قائم علیه السلام تأثیر مستقیم در
خود دعا کننده دارد.

در این بخش ابتدا به اوقات دعا اشاره می کنیم، یعنی اوقات و احوالاتی که دعا
در آنها بهتر و به استجابت نزدیک تر است.

- ۱- بعد از هر نماز واجب.
- ۲- بعد از هر دو رکعت نماز شب.
- ۳- در قنوت نمازها.
- ۴- در حال سجده.
- ۵- هر صبح و شام.
- ۶- آخرین ساعت از هر روز.
- ۷- روز پنجشنبه.
- ۸- شب جمعه.
- ۹- روز جمعه.
- ۱۰- روز نوروز.
- ۱۱- روز عرفة.

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۵۶.

- ۱۲- روز عید فطر.
- ۱۳- روز دحو الارض.
- ۱۴- روز عاشورا.
- ۱۵- شب نیمه شعبان.
- ۱۶- روز نیمه شعبان.
- ۱۷- تمام ماه مبارک رمضان.
- ۱۸- بعد از ذکر مصیبت سید الشهداء علیه السلام.
- ۲۰- بعد از زیارت امام زمان علیه السلام.
- ۲۱- پس از گریستن از خوف خدا.
- ۲۲- پس از تجدید هر نعمت و وزوال هر محنت.
- ۲۳- هنگام وارد شدن غم و اندوه.
- ۲۴- در سختی‌ها و گرفتاری‌ها.
- ۲۵- پس از نماز تسبیح (نماز جعفر طیار علیه السلام).
- ۲۶- پیش از دعا برای خود و خانواده خود.
- ۲۷- روز غدیر.
- ۲۸- تمام اوقات شریفه و شب‌ها و روزه‌های متبرکه.
- ۲۹- هنگام حضور در مجلس مخالفین و غاصبین حقوق امامان علیه السلام.
- ۳۰- چهل روز مداومت به دعا برای فرج.
- ۳۱- ماه محرم.

چگونگی دعا برای امام زمان علیه السلام

در کتب ادعیه در باب دعا برای تعجیل فرج، دعا‌های مختلفی ذکر شده است. لیکن با وجود تمام کتب ادعیه، به نظر می‌رسد آنچه که قابل اعتماد و اطمینان است، مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی است. از جمله دعا‌هایی که در این باب از این کتاب می‌توان ذکر کرد دعا‌های زیر است:

دعای فرج حضرت حجة علیه السلام (إلهی عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ...)

دعای حضرت مهدی علیه السلام (اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ...)

دعای حضرت حجة علیه السلام (إلهی بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَ...)

استغاثه به حضرت ولی عصر علیه السلام (سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ الثَّامِ...)

دعای نیمه شعبان (اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا وَ مَوْلُودِهَا وَ...)

دعای ندبه (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ...)

دعای عهد (اللَّهُمَّ رَبِّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ...)

دعا برای امام عصر علیه السلام (اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَ لَيْتِكَ وَ...)

دعایی که باید در زمان غیبت خواند (اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِكَ،...)

اجمالاً به ادعیه‌ای که در این باب آمده بوده اشاره کردیم. دعایی معروف نیز از معصوم علیه السلام روایت شده که فرموده‌اند: «در شب بیست و سوم ماه رمضان این دعا را زیاد بخوان و در حال سجود و قیام و قعود به هر حالتی که هستی در تمام ماه و هر چه ممکن است و هر وقت که یادت می‌آید در ایام زندگانی خودت آن را بعد از ستایش خدا و بعد از صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بخوان.»

دعای مذکور دعای زیر است:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ،

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَ

دَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.»

این چند ورق را با همین دعای شریف به پایان می‌رسانم.
تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

فهرست مطالب

مقدمه	۵
هم نام رسول خدا(ص).....	۷
اسامی، القاب و کنیه های حضرت حجت(ع)	۷
غیب.....	۸
سروش ایزد.....	۹
ساعة.....	۹
فجر.....	۱۰
فقیه.....	۱۰
قائم.....	۱۱
قطب.....	۱۱
منصور.....	۱۲
ماء معین.....	۱۲
مؤتور.....	۱۳
وارث.....	۱۳
يَدُ الْبَاسِطَةِ.....	۱۳
بهرام.....	۱۴
بنده یزدان.....	۱۴
خسرو.....	۱۴
شمایل آن حضرت.....	۱۴
ولادت.....	۱۵
حرمت تصریح به نام آن بزرگوار.....	۱۷
مقدمه	۱۸
هم نام رسول خدا(ص).....	۱۸
اسامی، القاب و کنیه های حضرت حجت(ع)	۱۹
غیب.....	۲۱
سروش ایزد.....	۲۱
ساعة.....	۲۲
فجر.....	۲۴
فقیه.....	۲۵
قائم.....	۲۶
قطب.....	۲۸
منصور.....	۳۱
ماء معین.....	۳۲
مؤتور.....	۳۲
وارث.....	۳۳
يَدُ الْبَاسِطَةِ.....	۳۴
بهرام.....	۳۵
بنده یزدان.....	۳۵
خسرو.....	۳۶
شمایل آن حضرت.....	۳۶
ولادت.....	۳۸
حرمت تصریح به نام آن بزرگوار.....	۳۹

شبهات حضرت به انبیا و اولیای الهی علیهم السلام

شبهات به آدم(ع).....	۳۱
شبهات به هابیل(ع).....	۳۲
شبهات به شیث(ع).....	۳۲
شبهات به نوح(ع).....	۳۳
شبهات به ادریس(ع).....	۳۴
شبهات به هود(ع).....	۳۵
شبهات به صالح(ع).....	۳۵
شبهات به ابراهیم(ع).....	۳۶
شبهات به اسماعیل(ع).....	۳۸
شبهات به اسحاق(ع).....	۳۹

شباہت بہ امام رضا (ع).....	۴۸	شباہت بہ لوط (ع).....	۴۰
شباہت بہ امام جواد (ع).....	۴۹	شباہت بہ یعقوب (ع).....	۴۰
شباہت بہ امام ہادی (ع).....	۴۹	شباہت بہ یوسف (ع).....	۴۱
شباہت بہ امام عسکری (ع).....	۴۹	شباہت بہ خضر (ع).....	۴۲
حقوق امام زمان (ع) بر ما.....	۴۹	شباہت بہ موسیٰ (ع).....	۴۲
حق وجود و ہستی.....	۵۰	شباہت بہ ایوب (ع).....	۴۴
حق قرابت و خویشاوندی پیغمبر (ص).....	۵۰	شباہت بہ زکریا (ع).....	۴۴
حق پدر بر فرزند.....	۵۱	شباہت بہ عیسیٰ (ع).....	۴۴
حق عالم بر متعلم.....	۵۱	شباہت بہ خاتم النبیین (ص).....	۴۵
حق امام بر رعیت.....	۵۲	شباہت بہ ائمہ معصومین (علیہم السلام)	
غیبت صغری	۵۲	شباہت بہ امیر المؤمنین علی (ع).....	۴۶
نواب اربعہ	۵۳	شباہت بہ امام حسن (ع).....	۴۶
غیبت کبری	۵۵	شباہت بہ امام حسین (ع).....	۴۶
توقیعات	۵۶	شباہت بہ امام سجاد (ع).....	۴۷
علایم ظہور	۵۷	شباہت بہ امام باقر (ع).....	۴۸
دعا برای امام زمان (ع)	۵۸	شباہت بہ امام صادق (ع).....	۴۸
چگونگی دعا برای امام زمان (ع)	۶۰	شباہت بہ امام کاظم (ع).....	۴۸